

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۶۳-۸۹

ارزشیابی اثرات آموزش‌های ترویجی بر خانوارهای روستایی: مطالعه موردی دامداران شهرستان فریدن، استان اصفهان

سیامک شهابی، محمود سیف‌الهی، و یوسف قنبری*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناخت اثرات آموزش‌های ترویجی بر خانوارهای روستایی و دامدار بوده و در چارچوب پژوهش ارزشیابی، با استفاده از الگوی ارزشیابی شبه‌آزمایش، در شهرستان فریدن استان اصفهان در ۱۳۸۳ انجام گرفته است. اطلاعات و آمارها با تکمیل ۲۶۲ پرسشنامه از گروه آزمایش و شاهد جمع‌آوری شد. نتایج تحقیق نشان داد که از نظر اجتماعی، آموزش‌های ترویجی در ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌های شغلی، ارتقای سطح مهارت‌ها، به‌کارگیری شیوه‌های نوین دامداری و افزایش مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی تأثیر مثبت دارد؛ همچنین، فراگیران آموزش‌های ترویجی در زمینه تأثیر مثبت آموزش‌ها به‌ویژه در افزایش اطلاعات عمومی و تخصصی، افزایش خلاقیت و نوآوری، بهبود مدیریت و ایجاد اعتماد به نفس بیشتر اتفاق نظر دارند. افزایش مدت‌زمان آموزش‌های ترویجی و ارائه آن در قالب یک برنامه آموزشی مدون، مستمر و منسجم و نیز تأمین اعتبار کافی برای برگزاری دوره‌ها، توجه بیشتر به آموزش زنان و به‌کارگیری الگوی ارزشیابی هدف‌مدار برای ارزشیابی آموزش‌های ترویجی از پیشنهادهای پژوهش حاضر است.

* به ترتیب، نویسنده مسئول و کارشناس ارشد مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان (shahabis44@gmail.com)؛ کارشناس ارشد مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان؛ و استادیار گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان.

کلیدواژه‌ها: آموزش‌های ترویجی / خانوارهای روستایی / اثرسنجی / ارزشیابی / توسعه روستایی / دامداران / مطالعه موردی / فریدن / اصفهان (استان).

* * *

مقدمه

امروزه، برداشت ما از واژه «آموزش» تنها به محیط کلاس، معلم و کتاب در چارچوب مدرسه و تعداد سال‌هایی که فرد به مدرسه می‌رود، محدود نمی‌شود بلکه آنچه بیشتر مد نظر است، مفهوم گسترده‌تر و غنی‌تر «یادگیری» است، صرف نظر از آنکه در کجا، چگونه و در چه سنی انجام پذیرفته باشد. در این چارچوب و با این دیدگاه، در واقع، آموزش (یا همان یادگیری) پیش از تأسیس نخستین مدارس رسمی در طول عمر بشر وجود داشته است؛ و حتی در میان جوامع اولیه نیز آموزش انجام می‌پذیرفت. در طول تاریخ، اعضای بزرگسال خانواده پیوسته خردسالان را آموزش داده و تربیت کرده‌اند و کودکان بزرگ‌تر به همراه والدین خویش نحوه انجام بسیاری از کارها را در محیط خانه و محل آموخته‌اند (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۷۲: ۶۱).

با پیچیده‌تر شدن جوامع، نیازهای آموزشی و نیز شکل و روش آموزش به تدریج تغییر کرد، به گونه‌ای که برای پرداختن بدان، نهادها و سازمان‌هایی در جوامع شکل گرفت، نظام برنامه‌ریزی آموزشی تدوین و در یک کلام، آموزش مدرسه‌ای یا رسمی به شکل امروزی آن پایه‌گذاری شد.

با گذشت زمان، جوامع دریافته‌اند که آموزش‌های رسمی یا مدرسه‌ای، به‌دلایلی چون ضوابط و مقررات خاص آن، تغییر و تحول سریع دانش و فناوری و عدم پوشش همه‌آحاد جامعه، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای در حال تغییر و روزافزون انسان چه در زمینه «آگاهی‌ها» و چه در زمینه «مهارت‌ها» برای تمامی دوران زندگی او باشد (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۷۲: ۶۱). از این‌رو، به‌موازات آموزش‌های رسمی، نظام آموزش‌های غیررسمی یا غیرمدرسه‌ای نیز به تدریج شکل گرفت و روز به روز، بر اهمیت آن افزوده شد.

«آموزش‌های غیررسمی» به نوعی فعالیت آموزشی و کارورزی گفته می‌شود که مانند آموزش‌های رسمی سازمان‌یافته است ولی در خارج از نظام آموزشی رسمی تحقق می‌پذیرد؛ مانند دوره‌های آموزشی و کارآموزی کوتاه‌مدت در زمینه‌های گوناگون عقیدتی، سیاسی، سوادآموزی، بهداشت، تعاون، کمک‌های اولیه، تنظیم خانواده، کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در زمینه‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و انواع آموزش‌های مفید برای غنی کردن اوقات فراغت و غیره (ملک‌محمدی، ۱۳۷۶: ۱۱).

آموزش‌های ترویجی از جمله آموزش‌هایی غیررسمی است که غالباً رو به سوی جمعیت روستایی دارد. این جریان آموزشی راهنمایی‌ها و اطلاعات را به روستاییان ارائه می‌دهد تا بدانها کمک کند که مشکلات خود را حل کنند (اوکلی و گارفوت، ۱۳۶۷: ۲۷).

در همین چارچوب، ارائه خدمات آموزشی - ترویجی به دامداران روستایی یکی از شیوه‌های وزارت جهاد کشاورزی است که با هدف ارتقای سطح آگاهی‌ها، مهارت‌ها و نیز افزایش کارایی و بهره‌وری دامداران روستایی به صورت مستمر پیگیری می‌شود. همچنین، از طریق ارائه این‌گونه خدمات، دیگر اهداف جانبی مانند افزایش اطلاعات عمومی، افزایش زمینه‌های مشارکت، افزایش توانایی‌های فردی و اجتماعی، بهبود وضعیت درآمد و سرانجام، دستیابی به امنیت غذایی کشور نیز دنبال می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که ارائه این‌گونه آموزش‌ها نه تنها به طور مستقیم در ارتقای سطح آگاهی، مهارت و کارایی و بهره‌وری مخاطبان مؤثر باشد بلکه به طور غیرمستقیم تغییر و تحول در وجه‌نظرها، افکار، تمایلات، روحیات و بالاخره، رفتار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنها را موجب شود.

اما مسئله قابل تأمل این است که علی‌رغم ارائه مستمر خدمات آموزش ترویجی به دامداران، متأسفانه عدم انجام ارزشیابی و اثرسنجی به موقع و همه‌جانبه موجب شده است که نتایج یا اثربخشی این‌گونه فعالیت‌ها برای مجریان آن کاملاً روشن نباشد. از این رو، ضرورت دارد که برای پاسخ‌گویی بدین مسئله، طرح‌های پژوهشی از نوع ارزشیابی طراحی شده، به مرحله اجرا درآید؛ و در واقع، پژوهش حاضر نیز با همین هدف انجام شده است.

فعالیت‌های دامداری در کشور در قالب سه نوع بهره‌برداری روستایی، عشایری و صنعتی انجام می‌گیرد. بخشی چشمگیر از این فعالیت‌ها به بهره‌برداران روستایی اختصاص دارد که غالباً به شیوه سنتی و در قالب نظام بهره‌برداری خانوادگی به فعالیت می‌پردازند. بررسی مقایسه‌ای این‌گونه فعالیت‌ها در ایران با بعضی از کشورهای دیگر نشان می‌دهد که به دلایل گوناگون، سطح عملکرد، کارایی و بهره‌برداری در این زیربخش - چه در عرصه روستایی و عشایری و چه در واحدهای صنعتی - نه تنها از متوسط جهانی بلکه از متوسط کشورهای در حال توسعه نیز پایین تر است. به طور کلی، اهمیت بخش دامداری در ارزش افزوده و تأمین پروتئین مورد نیاز کشور، از یک سو، و پایین بودن میزان بهره‌برداری و عملکرد عوامل تولید و واحدهای دامداری، از سوی دیگر، وزارت جهاد کشاورزی را بر آن داشت که برای تحول کمی و کیفی این زیربخش، اقدامات اساسی و زیربنایی لازم را در دستور کار خود قرار دهد؛ از جمله این اقدامات اختصاص سهمی قابل توجه از خدمات ترویجی به آموزش‌های ترویجی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی برای دامداران روستایی است. هدف اصلی از ارائه آموزش‌ها ارتقای سطح دانش و میزان مهارت بهره‌برداران در زمینه‌هایی نظیر تغذیه، جایگاه بهداشتی دام، و شناخت بیماری‌ها به منظور کاهش تلفات، افزایش میزان بهره‌وری عوامل تولید، افزایش میزان کارایی واحدهای دامداری و در نهایت، افزایش میزان درآمد دامداران است.

بنابراین، با توجه به حجم فعالیت‌ها و اعتبارات صرف شده و همچنین، عدم انجام ارزشیابی‌های اثربخشی، ضرورت دارد که اثرات، پیامدها و نتایج این‌گونه فعالیت‌ها ارزشیابی شود؛ موارد اهمیت و ضرورت این ارزشیابی عبارت‌اند از:

- شناخت میزان دقت و اعتبار اهداف پیش‌بینی شده؛
- روشن شدن جزییات نتایج اقدامات؛
- هدف و جهت دادن به اقدامات و پی‌ریزی اساسی برنامه‌های آینده؛
- اصلاح، تکمیل و تجدید نظر در برنامه‌ها و اقدامات؛ و
- ایجاد اعتماد و اطمینان در طراحان و مجریان طرح‌ها.

مبانی نظری تحقیق

آموزش را می‌توان از فرایندهای یادگیری دانست؛ اما شاید نتوان زمانی دقیق را برای آغاز آموزش بدین مفهوم مشخص کرد، چرا که یادگیری در واقع با زندگی روزمره انسان از بدو تولد همراه است. همچنین، در این چارچوب و با این دیدگاه، آموزش پیش از تأسیس مدارس نیز در طول عمر بشر وجود داشته است.

اشکال، شیوه‌ها و محتوای آموزش در جوامع اولیه متناسب با زندگی آنها ابتدایی بوده اما با پیچیده شدن جوامع اولیه، نیازهای آموزشی و نیز شکل و روش آن به تدریج تغییر کرده و آموزش و پرورش به شکل کنونی آن پایه گذاری شده است (کاظم‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۱).

تجربه جوامع نشان داده است که آموزش‌های رسمی یا مدرسه‌ای، به دلایلی مانند عدم پوشش همه آحاد جامعه، تغییر و تحولات سریع دانش و فناوری، و ضوابط و مقررات خاص خود، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای روزافزون و در حال تغییر انسان در زمینه تعلیم و تربیت باشد. از این رو، به موازات شکل‌گیری آموزش‌های رسمی، نظام آموزش‌های غیررسمی نیز به تدریج شکل گرفته و روز به روز، بر اهمیت آن نیز افزوده شده است. همچنین، با درک و شناخت صحیح از زیرساخت‌ها و عوامل توسعه از درون و مداوم، ضروری است که برنامه‌ریزی مناسب برای گسترش کمی و کیفی عوامل تأثیرگذار بر تربیت و آموزش نیروی انسانی - که خود بر تولید و توسعه بخش کشاورزی تأثیر مستقیم دارد، صورت گیرد (حاجی میر رحیمی و حسینی، ۱۳۸۱: ۲۴۹).

امروزه، آموزش کشاورزی، با ساختار ناکارآ و نامطلوب، دوران افت خود را سپری می‌کند و شاید این موضوع در اذهان پدید آید که جایگاه آموزش‌های کشاورزی و روستایی برای افراد متناسب با این نظام تعیین نشده است (خداوند محمدی، ۱۳۸۳: ۱۸). عمده‌ترین بحث در این زمینه عدم توجه لازم و سرمایه‌گذاری اندک در زمینه مشارکت فعال روستاییان برای آموزش‌های لازم در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در روستاهاست.

اعتقاد بر این است که منابع انسانی پس از کسب آموزش‌های لازم رشد می‌یابند و از رهگذر همین رشد، می‌توانند اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت خود و جامعه را مشخص کنند و سپس، با استفاده از علم و آگاهی‌های کسب‌شده، خواهند توانست ابزارهای لازم برای دستیابی به اهداف را با دست خود بسازند.

به نظر تینبرگن^(۱)، با توجه بدین واقعیت که در مورد بخشی بزرگ از نیروی کار، پرورش یک کارگر باتجربه بیست سال (با احتساب دوران تحصیل در مدرسه) طول می‌کشد، شاید بتوان گفت که سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی طولانی‌ترین فرایند تولید است که ارتباط زیادی با توسعه اقتصادی دارد. مطالعات او در این زمینه گویای تأثیر مدت آموزش‌ها بر دوره‌های اقتصادی و در نهایت، اصلاح ساختارها و روش‌های آموزشی برای تسریع در توسعه است. در مورد آثار این سرمایه‌گذاری، مایکل تودارو معتقد است که سرمایه‌گذاری در منابع انسانی می‌تواند موجب افزایش کیفیت شود و حتی بیش از سایر انواع سرمایه‌گذاری موجب افزایش تولید ملی شود. دبیرستان، دبیرستان فنی و حرفه‌ای، برنامه‌های آموزشی حین کار و آموزش‌های بزرگسالان و انواع آموزش‌های غیررسمی می‌تواند مهارت‌ها و منابع انسانی را به‌عنوان نتیجه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در ساختمان، تجهیزات و موارد دیگر افزایش دهد.

آموزش‌های ترویجی فرایندی از آموزش غیررسمی است که رو به سوی جمعیت روستایی دارد؛ این جریان آموزشی راهنمایی‌ها و اطلاعاتی را به روستاییان ارائه می‌دهد تا بدانها کمک کند که مشکلات خود را حل کنند (اوکلی و گارفوت، ۱۳۶۷: ۲۷). به دیگر سخن، ترویج عبارت است از انواع آموزش‌های کاربردی نظریه‌های تولید در خارج از مدرسه، به‌گونه‌ای که کشاورزان تحصیل‌نکرده بتوانند فنون و فناوری‌های نوین را برای افزایش میزان بازده محصولات خود به‌راحتی به‌کار برند. با توجه به هدف تحقیق حاضر مبنی بر ارزشیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی دوره‌های ترویجی، برنامه‌ریزان و مجریان دست‌اندرکار در معاونت ترویج، مشارکت و نظام‌های بهره‌برداری در وزارت جهاد کشاورزی به اجرای طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون در

قلب فعالیت‌های ترویجی می‌پردازند که از آن میان، می‌توان به دوره‌های آموزشی - ترویجی اشاره کرد. این نوع آموزش‌ها اغلب طی دوره‌های سه‌روزه به دامداران روستایی ارائه می‌شود. در شناسنامه این دوره‌ها، چهار نوع هدف کیفی، کمی، آموزشی و رفتاری ذکر شده است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که هر کدام از دوره‌های یاد شده دارای مجموعه‌ای از اهداف کلی و عمومی و نیز مجموعه‌ای از اهداف خاص آموزشی و رفتاری است (مدیریت ترویج و مشارکت مردمی استان اصفهان، ۱۳۷۷: ۱-۳). در اینجا، نکته قابل ذکر این است که برای افزایش مشارکت در آموزش روستایی، سنن بومی در زمینه‌های مختلف کشاورزی و روستایی و نیز شناخت صحیح آنها بسیار حائز اهمیت است و باید این مهم را در تدوین نظام آموزش روستایی در نظر گرفت (Clarke et al., 2003). علاوه بر آن، در تدوین ساختار مناسب برای آموزش‌های روستایی، این نکته دارای اهمیتی خاص است که باید مدارس روستایی را (به‌لحاظ ساختاری، اداری، برنامه‌ها، روش‌ها، نوع آموزش، آموزش‌دهنده، و دیگر موارد) با آنچه در مناطق شهری هست، متفاوت دانست. حتی بین مناطق روستایی نیز بر اساس قابلیت‌ها و منابع و مسائل جغرافیایی موجود، باید نظام آموزشی متناسب را برای آنها طراحی و تدوین کرد (Arnold, 2003).

مروری بر پیشینه پژوهش

دشتی (۱۳۷۶)، در تحقیقی با عنوان «ارزشیابی دوره‌های آموزشی امور دام»، به مطالعه و ارزشیابی دوره‌های آموزش دامداری در ابعاد مختلف از جمله روش‌های آموزشی، محتوای آموزشی، چگونگی مدیریت و امکانات اجرایی دوره‌ها، و خصوصیات فراگیران پرداخته است؛ نتایج تحقیق نشان داده که رابطه دو متغیر میزان تحصیلات فراگیران با میزان به‌کارگیری مطالب در حد ضعیف (۰/۱۲) است و از این‌رو، معنی‌دار نیست؛ همچنین، رابطه میزان افزایش تولید با میزان به‌کارگیری مطالب در حد نسبتاً بالا (۰/۵۷) و رابطه میزان کاهش تلفات با میزان به‌کارگیری مطالب در حد نسبتاً بالا (۰/۶۳) بوده و از این‌رو، در سطح یک درصد معنی‌دار است.

کاظم‌زاده (۱۳۸۰)، در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به بررسی اثر عوامل انسانی بر عملکرد تولیدی مرغداری گوشتی استان اصفهان پرداخته است؛ مهم‌ترین نتایج این پژوهش عبارت‌اند از: عملکرد تولیدی مرغداری‌ها با سن مرغداران رابطه‌ی معنی‌دار نداشته و تجربه‌ی این افراد نیز بر عملکرد آنها بی‌تأثیر بوده است؛ تحصیلات مرغداران و نیز میزان آموزش‌های ضمن خدمت فنی و حرفه‌ای آنها بر افزایش عملکرد تولیدی واحدها بی‌اثر بوده و همچنین، میزان تحصیلات رسمی (سواد) کارکنان مرغداری‌ها و تجربه‌ی آنها روی عملکرد تولیدی مزارع تأثیری نداشته است. این محقق در زمینه‌ی عدم تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر عملکرد مرغداری‌ها می‌نویسد: با توجه به اینکه ۲۵ درصد از مرغداران اصلاً در مورد حرفه‌ی خود آموزش ندیده و ۲۵ درصد دیگر نیز دوره‌های آموزشی در حد یک تا سه روز و یا حتی کمتر از یک روز را گذرانده‌اند و متوسط آموزش برای مرغداران ۵/۷ روز بوده است، این میزان فراگیری (صرف نظر از کیفیت دوره) نمی‌تواند در تغییر بینش، رفتار و عملکرد مرغداران چندان تأثیری داشته باشد و از این‌رو، فعالیت مرغداری‌ها و مدیریت تولید در این مزارع به شکل سنتی و به دور از یافته‌های علمی انجام می‌شود (کاظم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۶۵-۱۶۶).

در نتایج تحقیقی با عنوان «طرح ارزشیابی کشاورزان از برنامه‌های مزارع نمایشی گاو‌داری پیشرو» چنین آمده است: بازدیدهای گروهی از مزارع نمایشی مفیدتر از بازدیدهای انفرادی متخصصان است (Roling, 1987: 66).

در ۱۳۷۸، زرنگار در تحقیق خود با عنوان «مقدمه‌ای بر کاربرد ارزشیابی در بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی دوره‌های آموزشی-ترویجی دامپروری»، بدین نتایج رسید که در ارزشیابی دوره‌های آموزشی-ترویجی، روستاییان به معیارهای اقتصادی و اجتماعی چندی اشاره کرده‌اند؛ در همین زمینه، قضاوت آنها حاکی از موفقیت نسبی «آموزش تغذیه دام» و آموزش بخش‌های مربوط به شناخت بیماری‌های دام در تأمین نیازهای حرفه‌ای، اقتصادی و اجتماعی روستاییان و نیز موفقیت کمتر دوره‌های بهداشت جایگاه دام و شناخت بیماری بروسلوز بوده است (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹: ۴۵-۴۶).

زوار و همکاران، طی تحقیقی در ۱۳۷۲ در استان آذربایجان غربی روی ۴۳ نفر از افرادی که در دوره‌های آموزش پرورش گوسفند شرکت کرده بودند، در قالب تحقیق ارزشیابی و با استفاده از روش ارزشیابی «یک گروه- دو زمان»، بدین نتایج رسیده‌اند که در میانگین امتیازهای آگاهی و اطلاعات شغلی قبل و بعد از آموزش افراد شرکت‌کننده تفاوتی معنی‌دار وجود دارد، بدین معنی که شرکت در دوره آموزشی موجب افزایش آگاهی و اطلاعات شغلی شرکت‌کنندگان شده است؛ همچنین، یافته‌های ارزشیابی نشان‌دهنده بهبود کیفیت جایگاه دام گوسفندان بعد از ارائه آموزش‌هاست؛ و همین موضوع در مورد درصد جایگزینی دام‌هایی از نژاد برتر نیز صادق است. همچنین، از هفت شاخص اثربخشی در تولید، شش شاخص تفاوت معنی‌دار در میانگین‌ها در قبل و بعد از آموزش را نشان داده، که عبارت‌اند از: درصد میس‌های زایمان سالم، درصد تلفات بره‌ها هنگام زایمان، درصد تلفات بره‌ها، درصد تلفات میس‌ها، میانگین وزن بره‌های یک‌ساله، و میانگین وزن میس‌های سه‌ساله (حسینی‌نیا، ۱۳۷۸: ۶۹-۷۱).

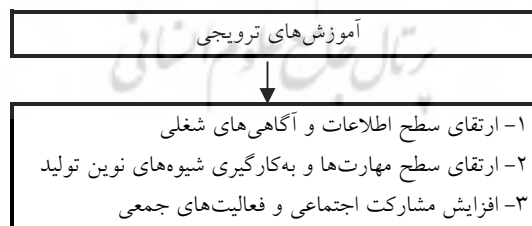
طرح پژوهشی «ارزشیابی دوره‌های آموزشی پرورش و نگهداری گوسفند و بز» از سوی مؤدی و همکاران در ۱۳۷۶ در قالب پژوهش ارزشیابی و در سه مرحله تشخیصی (قبل از برگزاری دوره)، مجموعه‌ای (بعد از برگزاری دوره) و تکوینی (نظرسنجی از فراگیران، آموزشگران و مجریان) به اجرا درآمده و نتایج نشان داده است که آزمون‌های آماری در تمام مناطق چهارگانه تفاوت بین میانگین سطح اطلاعات تخصصی دامداران در قبل از شرکت در دوره‌ها در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بوده و به دیگر سخن، با احتمال ۹۹ درصد، دوره‌های آموزشی مورد نظر باعث افزایش سطح معلومات فراگیران شده است (حسینی‌نیا، ۱۳۷۸: ۷۹-۸۱).

بنابراین، پیشینه تحقیق مبین آن است که آموزش‌های ترویجی دارای اثرات بسیار گسترده است و در زمینه‌های مختلف، می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای مخاطبان تأثیرگذار باشد. با این همه، با توجه به محدودیت زمان و اعتبار، پژوهش حاضر بر آن بوده است که به بررسی اثرات اقتصادی مستقیم و مشهود از جمله تغییرات در استفاده بهینه از منابع و افزایش تولید، افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد فراگیران این آموزش‌ها بپردازد.

مدل تحلیلی تحقیق

بررسی آرا و عقاید صاحب‌نظران روشن ساخت که اثرات آموزش‌های ترویجی بسیار گسترده‌تر از تاثیرات مورد انتظار طراحان و مجریان دوره‌های ترویجیاست. این اثرات ممکن است دربرگیرنده نگرش‌ها و رفتارهای مخاطبان از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی باشد. با این همه، آن دسته از دوره‌های ترویجی که هدف پژوهش حاضر ارزشیابی آنهاست، بیشتر در فاصله زمانی یک تا سه‌روزه ارائه شده است، و این میزان آموزش - صرف نظر از کیفیت آن - نمی‌تواند به‌طور گسترده بر نگرش‌ها و رفتارهای فراگیران در تمام زمینه‌های مورد اشاره صاحب‌نظران تأثیرگذار باشد؛ از آن گذشته، به‌دلیل ماهیت نرم‌افزاری آموزش، اصولاً سنجش اثرات آموزش‌های ترویجی بسیار دشوارتر از پدیده‌های مادی یا سخت‌افزاری است.

از نظر اجتماعی، برگزاری دوره‌های ترویجی موجب تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای فراگیران خواهد شد و بر شاخص‌هایی نظیر میزان آگاهی‌ها و اطلاعات شغلی، میزان مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین تولید و میزان مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی افراد تأثیر خواهد گذاشت. در نمودار زیر، مدل تحلیلی تحقیق حاضر به‌صورت کلی رسم شده و همچنین، مفاهیم مورد استفاده در مدل به متغیرها و معرف‌های قابل سنجش تجزیه شده است.



منبع: یافته‌های تحقیقات پیشین

نمودار ۱- مدل تحلیلی تحقیق برای بررسی اثرات آموزش‌های ترویجی

برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق (مستقل یا وابسته)، شیوه‌هایی متفاوت به کار می‌رود؛ یکی آنکه به طور مستقیم، متغیرها به صورت شاخص‌های مناسب درمی‌آیند و آنگاه از معرف به سؤالات مناسب تبدیل می‌شوند؛ شیوه‌ای دیگر، که برخی محققان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر استفاده از آن تأکید داشته‌اند، تبدیل متغیر به مفهوم، مفهوم به بعد، بعد به مؤلفه، و مؤلفه به شاخص و سرانجام، تبدیل شاخص به سؤال بوده که در پژوهش حاضر نیز از همین شیوه دوم استفاده شده است. در جدول ۱، نتایج این نوع شاخص‌سازی آمده است.

جدول ۱- شاخص‌سازی سنجش اثرات آموزش‌های ترویجی

مفهوم	بعد	مؤلفه	معرف
اثرات	ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌های شغلی	استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی ترویجی	میزان استفاده از برنامه‌های ترویجی رادیو
			میزان استفاده از برنامه‌های ترویجی تلویزیون
			میزان استفاده از رسانه‌های ترویجی
		آشنایی با وسایل و امکانات دامداری	میزان آشنایی با وسایل و امکانات مورد نیاز گاوداری
			میزان آشنایی با وسایل و امکانات مورد نیاز گوسفندداری
	ارتقای سطح مهارت و به-کارگیری شیوه-های جدید تولید	به‌کارگیری شیوه-های نوین دامداری	تمایل به تغییر شیوه دامداری سنتی به صنعتی
			تمایل به انجام فعالیت‌های دیگر دامداری
			استفاده از روش‌های بهبود تغذیه دام
			اقدام به نوسازی جایگاه دام
	افزایش مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی	انجام فعالیت‌های گروهی و جمعی	عضویت در تعاونی‌های روستایی و دامداری
			تمایل به عضویت در تعاونی‌های جدید دامداری
			تمایل به انجام فعالیت‌های دامداری گروهی یا اشتراکی
		مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	میزان مشارکت در امور عمرانی و آبادی روستا
			پذیرفتن مسئولیت اجتماعی در روستا

منبع: یافته‌های تحقیقات پیشین

روش شناسی

باتوجه به اهداف و سؤالات اساسی پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین چارچوب روشی برای انجام آن، پژوهش ارزشیابی باشد. مناسب بودن این نوع پژوهش از تعاریفی که از سوی صاحب‌نظران برای آن ارائه شده، قابل تشخیص است. این نوع پژوهش دارای کاربردی گسترده در تحقیقات کاربردی است و از آن به‌مثابه چارچوبی مناسب برای سنجش دسترسی به اهداف پروژه و نیز تأثیرات بلندمدت آن نام برده می‌شود و در حال حاضر، بخش جدانشدنی فرایند برنامه‌ریزی توسعه در سطوح گوناگون برنامه‌ریزی به‌شمار می‌رود. مدل‌ها و الگوهای ارزشیابی انواع متعدد دارند و هیچ‌گونه چارچوب ارزشیابی عام که برای تمام پروژه‌ها مناسب باشد، وجود ندارد؛ در نتیجه، در هر پروژه، بنا به نیازهای اطلاعاتی، ساختار مدیریتی و محدودیت‌های اطلاعاتی، باید یک چارچوب ارزشیابی مناسب تدوین شود (Chambers, 1994: 88). همچنین، برای ارزشیابی فعالیت‌های آموزشی و ترویجی، الگوهای گوناگون مطرح شده که از آن میان، مدل یا الگوی شبه‌تجربی قابل استفاده است (Garforth, 1995: 12). در تحقیق ارزشیابی از نوع آزمایشی، برای سنجش تأثیرات حاصل از برنامه، عموماً دو گروه انتخاب می‌شوند (موسوی، ۱۳۷۵: ۲۳-۲۴):

- ۱- گروه آزمایشی^(۲)؛ گروهی که از انجام برنامه تأثیر پذیرفته‌اند؛ و
 - ۲- گروه کنترل^(۳)؛ گروهی که با شرایط مشابه در معرض برنامه نبوده‌اند.
- در تحقیق حاضر نیز دو گروه پاسخ‌گو مورد پرسش قرار گرفته‌اند؛ گروه اول همان گروه آزمایشی یا گروه تجربی شامل آن دسته از دامداران روستایی است که از ویژگی گذراندن دوره‌های آموزشی ترویجی در زمینه امور دام برخوردار بوده‌اند، و گروه دوم نیز همان گروه کنترل یا گروه شاهد است که با وجود دارا بودن ویژگی‌های فردی اساسی مشابه با افراد گروه اول، دوره‌های آموزشی ترویجی در زمینه امور دام را نگذرانده‌اند.

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای ارزشیابی نیز روش‌هایی متعدد نظیر استفاده از گزارش مروجان، نظرات ناظران، گفتگوها، پرسشنامه‌ها، و مصاحبه وجود دارد (اوکلی و گارفوت، ۱۳۶۷: ۱۶۰-۱۶۱)، که پژوهش حاضر از روش تکمیل پرسشنامه سود جسته است.

همان‌گونه که گفته شد، در تحقیق حاضر، از دو شیوه شبه‌آزمایشی و کارگاهی استفاده شده که در هر کدام، انتخاب پاسخ‌گویان متفاوت بوده است. در پی، به چگونگی انتخاب پاسخ‌گویان می‌پردازیم. پاسخ‌گویان مورد بررسی در طرح آزمایشی از دو گروه آزمایشی یا تجربی و کنترل یا شاهد تشکیل شده‌اند. از این‌رو، در پژوهش حاضر که در ۱۳۸۳ انجام شده، تعداد ۱۳۰ نفر که در دوره‌های ترویجی امور دام در شهرستان فریدن استان اصفهان شرکت کرده بودند، به‌عنوان گروه آزمایشی به‌طور تصادفی انتخاب شدند؛ گروه کنترل یا شاهد نیز شامل افرادی است که با وجود دارا بودن ویژگی‌های اساسی مشابه با گروه اول مانند روستایی بودن، اشتغال در دامداری، و تعداد دام یکسان، در هیچ کدام از دوره‌های ترویجی امور دام شرکت نکرده‌اند. برای انتخاب افراد و تشکیل گروه شاهد، دو شیوه عمده وجود دارد: در یک شیوه، انتخاب افراد به‌گونه‌ای است که تشابه در ویژگی‌های اساسی بین افراد گروه‌های آزمایشی و شاهد دقیقاً رعایت شود؛ یعنی، تشابه نفر به نفر باشد؛ و در شیوه دیگر، میانگین چنین ویژگی‌هایی (مانند سن و سواد) در گروه آزمایشی محاسبه و سپس، افراد گروه شاهد نیز به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند که واجد میانگین آن ویژگی باشند. در تحقیق حاضر، از شیوه اول استفاده شده که البته دارای دقت و ظرافت بیشتر و به همان نسبت، پیچیده‌تر است؛ بر این اساس، تعداد ۱۳۲ نفر به‌عنوان گروه شاهد بررسی شده‌اند.

داده‌های تحقیق در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده است؛ در سطح توصیف، از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، و انحراف معیار و در سطح استنباطی نیز متناسب با الگوی آماری و سطح سنجش متغیرها، از آزمون کای اسکوتر و آزمون t استفاده شده است. همچنین، اطلاعات جمع‌آوری شده با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS استخراج و تحلیل آماری شده است.

برای آزمون پایایی پرسشنامه، روش‌های گوناگون نظیر بازآزمایی، آزمون مجدد، روش تنصیف (دو نیمه کردن) و ضریب آلفای کرونباخ وجود دارد که در اینجا، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش بر اساس سازگاری درونی پرسشنامه شکل گرفته و بدین منظور، آزمون ۳۵ پرسشنامه در یک جامعه مشابه انجام شده، که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- ضریب آلفای کرونباخ بر اساس هر کدام از شاخص‌ها

ردیف	شاخص	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
۱	ارتقای سطح آگاهی‌ها و اطلاعات	۶	۰/۷۶۶
۲	ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین	۶	۰/۷۱۸
۳	افزایش تولیدات دامی	۶	۰/۸۵۱
۴	بهبود و افزایش درآمد	۱۱	۰/۷۴۳
۵	افزایش سرمایه‌گذاری	۸	۰/۷۲۶
۶	افزایش مشارکت اجتماعی	۵	۰/۶۱۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل نتایج

تأثیر آموزش‌های ترویجی در افزایش مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی

برای سنجش میزان تأثیر آموزش‌های ترویجی در افزایش مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی، از متغیرهایی نظیر عضویت در تعاونی‌های روستایی یا دامداری، تمایل به عضویت در تعاونی‌های دامداری جدید، تعداد موارد مشارکت در امور عمرانی و آبادانی روستا، پذیرفتن مسئولیت اجتماعی در روستا، و تمایل به فعالیت‌های دامداری به‌صورت گروهی یا اشتراکی استفاده شده است، که نتایج آن در پی می‌آید.

عضویت در تعاونی‌ها

نتایج محاسبات انجام‌شده نشان می‌دهد که ۷۴/۰ درصد از پاسخ‌گویان در تعاونی‌های روستایی یا تعاونی‌های دامداری عضویت دارند. این نسبت در گروه آزمایش ۷۵/۸ و در گروه شاهد ۷۲/۳ درصد است، که چندان تفاوت ندارند. مقدار χ^2 محاسبه‌شده برابر با ۰/۴۰۵ و اختلاف مشاهده‌شده نیز معنی‌دار نیست (جدول ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب عضویت در تعاونی‌های روستایی یا دامداری به تفکیک گروه

سطح معنی‌داری	مقدار χ^2	درصد			تعداد			گروه
		خیر	بلی	جمع	خیر	بلی	جمع	
		۲۶/۰	۷۴/۰	۱۰۰	۶۷	۱۹۱	۲۶۰	کل
۰/۵۲۵	۰/۴۰۵	۲۴/۲	۷۵/۸	۱۰۰	۳۱	۹۷	۱۲۸	آزمایش
		۲۷/۷	۷۲/۳	۱۰۰	۳۶	۹۴	۱۳۰	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تمایل به عضویت در تعاونی‌های جدید

نتایج بررسی نشان می‌دهد که ۹۴/۹ درصد از پاسخ‌گویان نسبت به عضویت در تعاونی‌های جدید دامداری در صورت تأسیس آنها ابراز تمایل کرده‌اند و این نسبت در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۹۶/۸ و ۹۳/۰ درصد است. مقدار χ^2 محاسبه‌شده برابر با ۱/۹۴۵ درصد و اختلاف مشاهده‌شده بین دو گروه معنی‌دار نیست (جدول ۴).

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تمایل به عضویت در تعاونی‌های جدید به تفکیک گروه

سطح معنی‌داری	مقدار χ^2	درصد			تعداد			گروه
		خیر	بلی	جمع	خیر	بلی	جمع	
		۵/۱	۹۴/۹	۱۰۰	۱۳	۲۴۳	۲۵۶	کل
۰/۱۶۳	۱/۹۴۵	۳/۲	۹۶/۸	۱۰۰	۴	۱۲۳	۱۲۷	آزمایش
		۷/۰	۹۳/۰	۱۰۰	۹	۱۲۰	۱۲۹	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مشارکت در امور عمرانی روستاها

بر اساس نتایج بررسی در زمینه تعداد موارد مشارکت پاسخ‌گویان در امور آبادی و عمرانی روستاهای محل سکونت، میانگین تعداد موارد مشارکت در کل پاسخ‌گویان حدود ۱/۷۹ و در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۱/۹۲ و ۱/۶۶ است. مقدار t محاسبه‌شده برابر با ۲/۸۱۹ و اختلاف مشاهده‌شده بین دو گروه در سطح ۰/۰۵ درصد معنی‌دار است (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع میانگین تعداد موارد مشارکت پاسخ‌گویان در امور عمرانی روستا به تفکیک گروه

گروه	تعداد فراوانی	میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
کل	۲۵۷	۱/۷۹		
آزمایش	۱۲۹	۱/۹۲	۲/۸۱۹	۰/۰۰۵
شاهد	۱۲۸	۱/۶۶		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تمایل به فعالیت‌های دامداری به صورت گروهی یا اشتراکی

نتایج نشان می‌دهد که حدود ۷۲/۴ درصد پاسخ‌گویان نسبت به انجام فعالیت‌های دامداری به صورت گروهی یا اشتراکی ابراز تمایل کرده‌اند و این نسبت در گروه‌های آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۷۸/۷ و ۶۶/۱ درصد بوده است. مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۵/۰۴۸ و اختلاف مشاهده شده بین دو گروه در سطح ۰/۰۵ درصد معنی‌دار است (جدول ۶).

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تمایل به فعالیت‌های دامداری گروهی یا اشتراکی به تفکیک گروه

گروه	تعداد			درصد			سطح معنی‌داری	مقدار χ^2
	جمع	بلی	خیر	جمع	بلی	خیر		
کل	۲۵۴	۱۸۴	۷۰	۱۰۰	۷۲/۴	۲۷/۶		
آزمایش	۱۲۷	۱۰۰	۲۷	۱۰۰	۷۸/۷	۲۱/۳	۵/۰۴۸	۰/۰۲۵
شاهد	۱۲۷	۸۴	۴۳	۱۰۰	۶۶/۱	۳۳/۹		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پذیرفتن مسئولیت اجتماعی در روستا

بر اساس نتایج به دست آمده، ۴۱/۲ درصد پاسخ‌گویان به نحوی از انحا در امور مربوط به روستاهای محل سکونت خود مسئولیت پذیرفته‌اند. این نسبت در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۵۷/۸ و ۲۵ درصد است. مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۲۸/۸۹۱ و اختلاف بین دو گروه معنی‌دار است (جدول ۷).

جدول ۷- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب پذیرفتن مسئولیت اجتماعی در روستا به تفکیک گروه

سطح معنی‌داری	χ^2 مقدار	درصد			فراوانی تعداد			گروه
		خیر	بلی	جمع	خیر	بلی	جمع	
		۵۸/۸	۴۱/۲	۱۰۰	۱۵۳	۱۰۷	۲۶۰	کل
۰/۰۰۰	۲۸/۸۹۱	۴۲/۲	۵۷/۸	۱۰۰	۵۴	۷۴	۱۲۸	آزمایش
		۷۵/۰	۲۵/۰	۱۰۰	۹۹	۳۳	۱۳۲	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

محاسبه شاخص مشارکت اجتماعی

نتایج محاسبه شاخص مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد که میانگین محاسبه‌شده در کل پاسخ‌گویان برابر با ۲/۷۵ و در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، برابر با ۳/۰۴ و ۲/۴۶ است. همچنین، مقدار t محاسبه‌شده برابر با ۵/۴۱۴ و اختلاف مشاهده‌شده بین دو گروه معنی‌دار است (جدول ۸).

جدول ۸- توزیع میانگین مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان به تفکیک گروه

سطح معنی‌داری	مقدار t	میانگین	تعداد فراوانی	گروه
		۲/۷۵	۲۴۵	کل
۰/۰۰۰	۵/۴۱۴	۳/۰۴	۱۲۲	آزمایش
		۲/۴۶	۱۲۳	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تأثیر آموزش‌های ترویجی بر ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین برای سنجش میزان تأثیر آموزش‌های ترویجی بر شاخص ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین دامداری، از متغیرهایی نظیر استفاده از روش‌های بهبود تغذیه، اقدام به نوسازی جایگاه دام، اقدام به بهسازی جایگاه دام، میزان تمایل فرد به تغییر شیوه دامداری از سنتی به صنعتی، و میزان تمایل فرد به انجام فعالیت‌های دیگر دامداری استفاده شده، که نتایج آن در پی می‌آید.

به کارگیری روش های بهبود تغذیه

بهره گیری از شیوه های بهبود تغذیه دام مانند غنی سازی کاه از مواردی است که در آموزش های ترویجی مورد تأکید است. نتایج حاکی است که حدود ۵۴/۴ درصد از پاسخ گویان این شیوه را به کار برده اند و این نسبت در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۷۰/۴ و ۳۸/۴ درصد بوده است. همچنین، مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۲۵/۸۰ و اختلاف مشاهده شده بین دو گروه معنی دار است (جدول ۹).

جدول ۹- توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب به کارگیری شیوه های بهبود تغذیه دام به تفکیک گروه

گروه	تعداد			درصد			سطح معنی داری
	جمع	بلی	خیر	جمع	بلی	خیر	
کل	۲۵۰	۱۳۶	۱۱۴	۱۰۰	۵۴/۴	۴۵/۶	
آزمایش	۱۲۵	۸۸	۳۷	۱۰۰	۷۰/۴	۲۹/۶	۰/۰۰۰
شاهد	۱۲۵	۴۸	۷۷	۱۰۰	۳۸/۴	۶۱/۶	

مأخذ: یافته های تحقیق

اقدام به نوسازی جایگاه دام

اقدام به نوسازی جایگاه دام از جمله توصیه های مورد تأکید در دوره های ترویجی امور دام است. نتایج نشان می دهد که ۲۴ درصد از پاسخ گویان نسبت به نوسازی جایگاه دام خود اقدام کرده اند و این نسبت در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۳۰/۰ و ۱۸/۲ درصد بوده است. همچنین، مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۵/۰۱ و اختلاف مشاهده شده بین دو گروه معنی دار است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب اقدام به نوسازی جایگاه دام به تفکیک گروه

گروه	تعداد			درصد			سطح معنی داری
	جمع	بلی	خیر	جمع	بلی	خیر	
کل	۲۶۲	۶۳	۱۹۹	۱۰۰	۲۴/۰	۷۶/۰	
آزمایش	۱۳۰	۳۹	۹۱	۱۰۰	۳۰/۰	۷۰/۰	۰/۰۲۵
شاهد	۱۳۲	۲۴	۱۰۸	۱۰۰	۱۸/۲	۸۱/۸	

مأخذ: یافته های تحقیق

اقدام به بهسازی جایگاه دام

نتایج محاسبات حاکی است که ۳۴/۴ درصد از پاسخ‌گویان نسبت به بازسازی جایگاه دام خود اقدام کرده‌اند. این نسبت در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۳۴/۶ و ۳۴/۱ درصد بوده است و چندان تفاوتی مشاهده نمی‌شود. مقدار χ^2 محاسبه‌شده برابر با ۰/۰۰۸ است و از این رو، اختلاف مشاهده‌شده معنی‌دار نیست (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب اقدام به بازسازی جایگاه دام به تفکیک گروه

سطح معنی‌داری	مقدار χ^2	درصد			تعداد			گروه
		خیر	بلی	جمع	خیر	بلی	جمع	
		۶۵/۶	۳۴/۴	۱۰۰	۱۷۲	۹۰	۲۶۲	کل
۰/۹۲۹	۰/۰۰۸	۶۵/۴	۳۴/۶	۱۰۰	۸۵	۴۵	۱۳۰	آزمایش
		۶۵/۹	۳۴/۱	۱۰۰	۸۷	۴۵	۱۳۲	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تمایل به تغییر شیوه دامداری سنتی به صنعتی

نتایج بررسی نشان می‌دهد که ۷۱/۹ درصد از پاسخ‌گویان نسبت به تغییر شیوه دامداری خود از سنتی به صنعتی ابراز تمایل کرده‌اند. این نسبت در گروه آزمایش ۷۲/۷ و در گروه شاهد ۷۱/۱ درصد بوده، که اختلاف بین دو گروه ناچیز است. همچنین، مقدار χ^2 محاسبه‌شده برابر با ۰/۰۸۲ بوده، اختلاف مشاهده‌شده معنی‌دار نیست (جدول ۱۲).

جدول ۱۲- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تمایل به تغییر شیوه دامداری از سنتی به صنعتی به تفکیک گروه

سطح معنی‌داری	مقدار χ^2	درصد			تعداد			گروه
		خیر	بلی	جمع	خیر	بلی	جمع	
		۲۸/۱	۷۱/۹	۱۰۰	۶۸	۱۷۴	۲۴۲	کل
۰/۷۷۵	۰/۰۸۲	۲۷/۳	۷۲/۷	۱۰۰	۳۳	۸۸	۱۲۱	آزمایش
		۲۸/۹	۷۱/۱	۱۰۰	۳۵	۸۶	۱۲۱	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تمایل به انجام فعالیت‌های دیگر دامداری

بررسی تمایل پاسخ‌گویان به انجام فعالیت‌های دیگر دامداری مانند مرغداری و پرورش ماهی نشان می‌دهد که پاسخ ۵۴/۱ درصد پاسخ‌گویان مثبت بوده است. این نسبت در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۵۸/۶ و ۴۹/۶ درصد است. همچنین، مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۲/۰۹ بوده، اختلاف مشاهده‌شده بین این دو گروه معنی‌دار نیست (جدول ۱۳).
جدول ۱۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تمایل به انجام فعالیت‌های دیگر دامداری به تفکیک گروه

سطح معناداری	مقدار χ^2	درصد			تعداد			گروه
		خیر	بلی	جمع	خیر	بلی	جمع	
		۴۵/۹	۵۴/۱	۱۰۰	۱۱۸	۱۳۹	۲۵۷	کل
۰/۱۴۹	۲/۰۹	۴۱/۴	۵۸/۶	۱۰۰	۵۳	۷۵	۱۲۸	آزمایش
		۵۰/۴	۴۹/۶	۱۰۰	۶۵	۶۴	۱۲۹	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

محاسبه شاخص ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین

برای محاسبه کلی این شاخص، نخست، متغیرهای رسمی به مقیاس رتبه‌ای تبدیل و آنگاه آزمون t برای آن محاسبه شده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که میانگین کلی این شاخص در پاسخ‌گویان برابر با ۲/۵۴ و در دو گروه آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۲/۹۰ و ۲/۱۸ است. همچنین، مقدار آزمون t محاسبه‌شده برابر با ۶/۹۵ و اختلاف مشاهده‌شده بین دو گروه معنی‌دار است (جدول ۱۴).

جدول ۱۴- توزیع میانگین استاندارد شده شاخص ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین دامداری به تفکیک گروه

سطح معنی‌داری	مقدار t	میانگین	تعداد فراوانی	گروه
		۲/۵۴	۲۱۱	کل
۰/۰۰۰	۶/۹۵	۲/۹۰	۱۰۴	آزمایش
		۲/۱۸	۱۰۷	شاهد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تأثیر آموزش‌های ترویجی بر ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌ها

برای سنجش اثرات آموزش‌های ترویجی بر شاخص ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌ها، از متغیرهایی چون میزان استفاده از رسانه‌های ترویجی، میزان استفاده از برنامه‌های ترویجی رادیو، میزان استفاده از برنامه‌های ترویجی تلویزیون، میزان آشنایی با وسایل و امکانات مورد نیاز دامداری استفاده شده است، که نتایج آن در پی می‌آید.

میزان استفاده از رسانه‌های ترویجی

بر اساس نتایج به‌دست آمده، میانگین تعداد رسانه‌های ترویجی مورد استفاده در کل پاسخ‌گویان برابر با ۱/۰۹ و در گروه‌های آزمایش و شاهد، به‌ترتیب، ۱/۸۱ و ۰/۳۷ رسانه است. همچنین، مقدار آزمون t محاسبه‌شده برابر با ۱۱/۳۴ و اختلاف مشاهده‌شده بین دو گروه نیز معنی‌دار است (جدول ۱۵).

جدول ۱۵- توزیع میانگین تعداد رسانه‌های ترویجی مورد استفاده در پاسخ‌گویان به تفکیک گروه

گروه	تعداد فراوانی	میانگین	تعداد t	سطح معنی‌داری
کل	۲۶۲	۱/۰۹		
آزمایش	۱۳۰	۱/۸۱	۱۱/۴۳	۰/۰۰۰
شاهد	۱۳۲	۰/۳۷		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

استفاده از برنامه‌های ترویجی رادیو

برای سنجش این متغیر، استفاده یا عدم استفاده پاسخ‌گویان از برنامه رادیویی روستاییان که یک برنامه ترویجی شبکه استانی به‌شمار می‌رود، بررسی شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، در حالی که حدود ۷۴/۴ درصد از پاسخ‌گویان شنونده این برنامه بوده‌اند، این نسبت در دو گروه آزمایش و شاهد، به‌ترتیب، ۸۵/۴ و ۶۴/۱ درصد بوده است. همچنین، میزان χ^2 محاسبه‌شده برابر با ۱۵/۶۱ و اختلاف مشاهده‌شده بین دو گروه معنی‌دار است (جدول ۱۶).

جدول ۱۶- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب استفاده از برنامه‌های ترویجی رادیو به تفکیک گروه

گروه	تعداد			درصد			مقدار χ^2	سطح معنی‌داری
	جمع	بلی	خیر	جمع	بلی	خیر		
کل	۲۶۱	۱۹۵	۶۶	۱۰۰	۷۴/۴	۲۵/۲		
آزمایش	۱۳۰	۱۱۱	۱۹	۱۰۰	۸۵/۴	۱۴/۶	۱۵/۶۱	۰/۰۰۰
شاهد	۱۳۱	۸۴	۴۷	۱۰۰	۶۴/۱	۳۵/۹		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

استفاده از برنامه‌های ترویجی تلویزیون

برای سنجش این متغیر، تماشای برنامه آبادی در قالب برنامه ترویجی شبکه استانی سیما استان اصفهان بررسی شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، در حالی که حدود ۴۹/۲ درصد از پاسخ‌گویان بیننده این برنامه بوده‌اند، ولی این نسبت در گروه آزمایش ۵۵/۸ درصد و در گروه شاهد ۴۲/۷ درصد بوده است. همچنین، مقدار آزمون χ^2 محاسبه شده برابر با ۴/۴۴ و اختلاف مشاهده شده بین دو گروه معنی‌دار است (جدول ۱۷).

جدول ۱۷- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب استفاده از برنامه‌های ترویجی تلویزیون به تفکیک گروه

گروه	تعداد			درصد			مقدار χ^2	سطح معنی‌داری
	جمع	بلی	خیر	جمع	بلی	خیر		
کل	۲۶۰	۱۲۸	۱۳۲	۱۰۰	۴۹/۲	۵۰/۸		
آزمایش	۱۲۹	۷۲	۵۷	۱۰۰	۵۵/۸	۴۴/۲	۴/۴۴	۰/۰۳۵
شاهد	۱۳۱	۵۶	۷۵	۱۰۰	۴۲/۷	۵۷/۳		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

میزان آشنایی با وسایل و امکانات دامداری

برای سنجش این متغیر، از پاسخ‌گویان سؤال شد که وسایل و امکانات مورد نیاز برای فعالیت‌های دامداری اعم از گاوداری، گوسفندداری و زنبورداری را بیان کنند. نتایج

بررسی گویای آن است که میانگین تعداد وسایل و امکانات مورد اشاره در کل جامعه مورد بررسی برابر با ۲/۲۷ و در گروه‌های آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۲/۴۶ و ۲/۰۹ مورد بوده است. همچنین، مقدار آزمون t محاسبه شده ۲/۲۰ و اختلاف مشاهده شده بین دو گروه نیز معنی دار است (جدول ۱۸).

جدول ۱۸- توزیع میانگین تعداد وسایل و امکانات دامداری بر حسب آشنایی پاسخ‌گویان به تفکیک گروه

گروه	تعداد فراوانی	میانگین	مقدار t	سطح معنی داری
کل	۲۱۳	۲/۲۷		
آزمایش	۱۰۵	۲/۴۶	۲/۲۰	۰/۰۲۹
شاهد	۱۰۸	۲/۰۹		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

محاسبه شاخص ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌ها

به طور کلی، نتایج محاسبات انجام شده در زمینه شاخص ارتقای سطح آگاهی‌ها و اطلاعات حاکی از آن است که میانگین این شاخص در کل جامعه پاسخ‌گویان ۲/۵۴ و در گروه‌های آزمایش و شاهد، به ترتیب، ۲/۹۰ و ۲/۱۹ است. همچنین، مقدار t محاسبه شده برابر با ۶/۹۵ و اختلاف مشاهده شده بین دو گروه معنی دار است (جدول ۱۹).

جدول ۱۹- توزیع میانگین شاخص ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌ها در پاسخ‌گویان به تفکیک گروه

گروه	تعداد فراوانی	میانگین	مقدار t	سطح معنی داری
کل	۲۱۱	۲/۵۴		
آزمایش	۱۰۴	۲/۹۰	۶/۹۵	۰/۰۰۰
شاهد	۱۰۷	۲/۱۹		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه گیری

با توجه به روستانشین بودن بخشی چشمگیر از جمعیت ایران، توسعه روستایی از الزامات توسعه جامع کشور محسوب می‌شود. علاوه بر آن، توسعه کشاورزی و رشد تولیدات این بخش از ارکان اصلی توسعه اقتصادی کشور است. بر این اساس، توجه به ترویج به‌مثابه یکی از مهم‌ترین روش‌های مؤثر در بهبود و ارتقای سطح تولید و بهره‌وری نهایی، نوسازی شیوه‌های گوناگون تولید، و توسعه اجتماعی و فرهنگی روستایی ضرورت دارد.

در تحقیق حاضر، تلاش شد که اثرات برنامه‌های ترویجی انجام‌شده در سطح استان اصفهان ارزیابی شود. برای جمع‌آوری اطلاعات، دو گروه مورد پرسش قرار گرفتند: گروه اول یا گروه آزمایش شامل فراگیران در زمینه امور دام بود؛ و گروه دوم یا گروه شاهد شامل افرادی بود که از نظر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی مشابه گروه اول و اما تنها تفاوت آنها این بود که در هیچ دوره ترویجی در زمینه امور دام شرکت نکرده بودند. اطلاعات جمع‌آوری‌شده از این دو گروه به کمک نرم‌افزار آماری SPSS استخراج و تحلیل آماری شد.

اثرات دوره‌های ترویجی در قالب سه شاخص کلی ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌های شغلی، ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین دامداری، و افزایش مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی بررسی شده است.

در شاخص ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌های شغلی، متغیرهایی نظیر میزان استفاده از رسانه‌های ترویجی، میزان استفاده از برنامه‌های ترویجی رادیو، میزان استفاده از برنامه‌های ترویجی تلویزیون، و میزان آشنایی با وسایل و امکانات مورد نیاز دامداری بررسی شده و نتایج حاکی از آن است که در زمینه تمام این متغیرها، تفاوت مشاهده شده بین دو گروه معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های ترویجی در ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی‌های شغلی فراگیران مؤثر بوده است.

در شاخص ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه‌های نوین دامداری، تفاوت مشاهده‌شده بین دو گروه در زمینه متغیرهایی نظیر استفاده از روش‌های بهبود تغذیه و اقدام به نوسازی جایگاه دام معنی‌دار بوده و در زمینه متغیرهای تمایل فرد به تغییر شیوه دامداری سنتی به صنعتی، تمایل فرد به انجام فعالیت‌های دیگر دامداری، و اقدام به بهسازی جایگاه دام نیز این تفاوت در سطح ۰/۰۵ درصد معنی‌دار نبوده است؛ همچنین، محاسبه کلی شاخص حاکی از تفاوت معنی‌دار بین دو گروه است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های ترویجی در ارتقای سطح مهارت‌ها و به‌کارگیری شیوه نوین دامداری از سوی فراگیران مؤثر بوده است.

در شاخص افزایش مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی، تفاوت مشاهده‌شده بین دو گروه در زمینه متغیرهای تعداد موارد مشارکت در امور عمرانی و آبادانی روستا، پذیرفتن مسئولیت اجتماعی در روستا، و تمایل به فعالیت‌های جمعی معنی‌دار بوده، ولی این تفاوت در زمینه متغیرهای عضویت در تعاونی‌های روستایی و دامداری و تمایل به عضویت در تعاونی‌های جدید معنی‌دار نبوده است؛ همچنین، محاسبه شاخص کلی نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین دو گروه است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های ترویجی در زمینه افزایش مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های جمعی فراگیران مؤثرتر بوده است.

به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که آموزش‌های ترویجی به تغییرات مثبت در زندگی اقتصادی- اجتماعی فراگیران انجامیده و همچنین، این تغییرات بیشتر در متغیرهای رفتاری (نه نگرشی) قابل مشاهده است؛ به دیگر سخن، تفاوت مشاهده‌شده بین دو گروه در متغیرهایی که به‌طور مستقیم، عمل و رفتار پاسخ‌گویان را سنجیده‌اند، عموماً معنی‌دار بوده اما در متغیرهای نگرشی اغلب معنی‌دار نبوده است.

یادداشت‌ها

1. Tinbergen
2. experimental group
3. control group

منابع

- اوکلی، پیتر و گارفوت، کریستوفر (۱۳۶۷)، *راهنمای آموزش ترویج*. ترجمه محمد حسین عمادی. تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- حاجی میر رحیمی، داود و حسینی، سید محمود (۱۳۸۱)، «تدوین الگوی قابلیت‌های حرفه‌ای آموزشگران مراکز و مؤسسات عالی کشاورزی». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۳۷.
- حسینی نیا، غلامحسین (۱۳۷۸)، *چکیده طرح‌ها و پروژه‌های مطالعاتی و ارزشیابی آموزشی و ترویجی*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- خدا م محمدی، مهدی (۱۳۸۳)، «آموزش کشاورزی و چالش‌های نوین برای تازه‌گردانی بخش کشاورزی». *ماهنامه علمی کشاورزی دهاتی*، شماره ۱۵.
- دشتی، قادر (۱۳۷۶)، «بررسی کیفی دوره‌های آموزشی امور دام». *ماهنامه جهاد*، سال ۱۶، شماره ۱۹۸-۱۹۹.
- کاظم‌زاده، مسعود (۱۳۸۰)، *بررسی اثر عامل انسانی بر عملکرد تولیدی مرغداری‌های گوشتی استان اصفهان*. رساله کارشناسی ارشد. اصفهان: مرکز آموزش عالی صنایع ایران واحد اصفهان.
- گروه مشاوران یونسکو (۱۳۷۲)، *فرایند برنامه‌ریزی آموزشی*. ترجمه فریده مشایخ. تهران: مدرسه.
- مدیریت ترویج و مشارکت مردمی (۱۳۷۷)، *تهیه و تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی*. اصفهان: سازمان جهاد سازندگی استان اصفهان.
- ملک‌محمدی، ایرج (۱۳۷۶)، «تحلیل تطبیقی ترویج و توسعه از دیدگاه نظریه مبادله». *ماهنامه جهاد*، سال ۱۶، شماره ۱۹۵.
- موسوی، سیدمحمد (۱۳۷۵)، *ارزشیابی اثرات اجتماعی طرح‌های بهسازی روستایی در استان اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. تهران: گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۹)، *چکیده گزارش طرح‌ها و پژوهش‌های مطالعاتی و ارزشیابی اقتصادی-اجتماعی*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- Arnold, Michael L. (2003), *Rural Schools: Diverse Needs Call for Flexible Policies*. Mid-continent Research for Education and Learning, Aurora (Canada): Education Resources Information Center (ERIC).

- Chambers, R. (1994), "Participatory rural appraisal (PRA): challenges, potentials and paradigm". *World Development*, Vol. 22, No. 10.
- Clarke, Harry et al. (2003), *Enhancing Rural Learning: Report of the Task Force on Rural Education*. British Columbia: Springer.
- Garforth, C. (1995), "Extension approaches for sustainable agriculture: evidence from Bangladesh, India and Philippines". Paper Presented at: *The 12th European Seminar on Extension Education, Thessalonica, Greece*, 28 August–2 September.
- Roling, N. (1987), "Alternative approach in Extension". In: G. E. Jones and M. J. Rolls (eds.) *Progress in Rural Extension and Community Development*, New York: John Wiley and Sons.

